

خامنه‌ای با حمله به میانه‌روها آنها را منبع مشکلات ایران خواند

دیدبان سیاست‌گذاری ۳۰۰۲

مهدی خلجی

۱۵ آگوست ۲۰۱۸

تندروان از بازگشت ناآرامی‌ها به عنوان بهانه‌ای برای حمله به کارنامه اقتصادی دولت، دخالت در صلاحیت‌های قانونی آن در بخش‌های مختلف، و تقویت استراتژی «مقاومتی» رهبر ایران بهره‌برداری می‌کنند

علی خامنه‌ای، رهبر ایران، در اولین واکنش به اعتراضات اخیر در این کشور و فشارهای فزاینده اقتصادی، تلاش کرد خشم عمومی را به سمت دولت رئیس‌جمهور حسن روحانی منحرف کند. خامنه‌ای در سخنرانی ۱۳ آگوست خود که از تلویزیون سراسری این کشور پخش شد، اعلام کرد: «کارشناسان اقتصادی و بسیاری از مسؤولین بر این مسأله متفق‌اند که عامل این مشکلات ارتباطی با تحریم‌ها ندارد [...] بلکه مربوط به نحوه مدیریت و سیاست‌گذاری اجرایی است.» این سخنان علی خامنه‌ای با گزارش‌های رسانه‌های دولتی ایران هم‌سو است که به برجسته‌سازی تأثیر فساد بر مشکلات اقتصادی، به جای تحریم‌های بین‌المللی، می‌پردازند. رهبر ایران همچنین روحانی و تیم او را تلویحا در فسخ بخشی از توافق هسته‌ای مقصر دانسته است، با این استدلال که آنها مذاکرات با دولت غیرقابل‌اعتماد ایالات متحده را به درستی مدیریت نکردند. به احتمال زیاد، اظهارات خامنه‌ای زمینه دخالت عناصر نظامی تندرو در امور غیرنظامی دولت را بیش از پیش فراهم خواهد کرد.

نقطه عطفی برای روحانی؟

خامنه‌ای در سخنرانی خود به روشنی کوشید که ایرانی‌ها را - به‌ویژه آنها که از اصلاح‌طلبان و سیاستمداران میانه‌رو حمایت می‌کنند - قانع سازد که روحانی مقصر نتایج ناگوار برجام و افزایش فشارهای ایالات متحده است. به قول رهبر ایران، دولت به هشدارهای او نسبت به غیرقابل‌انکا بودن واشنگتن و خصومت تغییرنیافتنی آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی، بارها بی‌توجهی کرده است.

خامنه‌ای در اظهاراتی ظاهراً حاکی از پشیمانی گفت که او با زیر پا گذاشتن اصول خود در همان آغاز، «تجربه» برجام را اجازه داده و اعتراف کرد که «در موضوع مذاکرات بنده اشتباه کردم». با این حال، رهبر ایران، بی‌آن‌که اصولاً به اشتباه مشخصی از جانب خود اشاره کند، با لحنی طعنه‌آمیز بر آن چه اشتباهات مفروض راهبردی و بی‌کفایتی دیپلماتیک روحانی می‌داند، انگشت نهاد و ادعا کرد که رئیس‌جمهور با اصرار بر دستیابی به یک توافق به هر قیمتی، کشور را به سوی ناکامی پیش برد، سبب رنج و مشقت فعلی مردم شد و از «خطوط قرمز تعیین‌شده» عبور کرد. عبارت آخر به‌خصوص تهدیدآمیز است، چرا که اساساً چراغ سبزی به تندروان برای تشدید فشار خود بر روحانی و ناتوان ساختن بیشتر او در دنبال کردن برنامه‌هایش تلقی می‌شود.

به همین ترتیب، خامنه‌ای با بی‌کفایت خواندن چندباره کابینه دولت، سپاه پاسداران، قوه قضاییه، و دیگر پایگاه‌های نفوذ تندروان را تشویق می‌کند که در امور دولت، به‌خصوص در عرصه اقتصادی، دخالت کنند. نهایتاً، سخنرانی اخیر خامنه‌ای می‌تواند نقطه عطفی در سرنویشت سیاسی حسن روحانی تلقی شود و ممکن است افول اقتدار او را در سالهای باقی‌مانده از دوره دوم ریاست‌جمهوری‌اش سرعت بخشد؛ و شاید مهم‌تر از آن، این احتمال وجود دارد که متحدین سیاسی او - به‌ویژه جناح اصلاح‌طلب - در دور بعدی انتخابات مجلس و دیگر رقابت‌ها بهای سنگینی بپردازند.

آمادگی در برابر فشار از بیرون

خامنه‌ای، در خصوص مذاکراتی جدید با «رژیم زورگو و پرتوقع آمریکا» چنین امکانی را از اساس رد کرد، با این استدلال که چنان مذاکراتی نباید «وسيله‌ای برای رفع یا کاهش دشمنی آمریکا» پنداشته شود، زیرا ابراری خواهد بود که واشنگتن از آن برای «اعمال بهتر دشمنی و پی‌گیری اهداف خود» استفاده خواهد کرد. او سپس مشخص‌تر به دولت ترامپ اشاره کرد و گفت: «حتی اگر به فرض محال قرار بود با آمریکایی‌ها مذاکره‌ای کنیم، قطعاً با دولت فعلی هرگز مذاکره نمی‌کردیم.» مبنای این موضع تند خامنه‌ای، ارزیابی او از وضعیت اقتصادی ایران است: «ما فقط وقتی می‌توانیم وارد بازی خطرناک مذاکره با آمریکا شویم که از لحاظ اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به اقتدار مورد نظرمان برسیم و فشارها و هوچی‌گری‌های او نتواند در ما تأثیر بگذارد اما در حال حاضر مذاکره قطعاً به ضرر ما تمام می‌شود.»

خامنه‌ای انتقاد خود را به متحدین ایالات متحده هم تعمیم داد. او عربستان سعودی و اسرائیل را متهم کرد که از طریق دخالت‌های سیاسی و مالی، در تحریک به اعتراضات عمومی و «ایجاد ناامنی در دی‌ماه گذشته» به واشنگتن کمک کرده‌اند. او به منتقدین فعالیت‌های منطقه‌ای ایران نیز تاخت و به‌طور خاص از دخالت رژیم در یمن، سوریه و عراق دفاع کرد. با این‌همه، او نگرانی‌های فزاینده عمومی در خصوص احتمال جنگ با آمریکا را هم رد کرد و گفت: «جنگی رخ نخواهد داد، چرا که ما مثل گذشته هیچ وقت شروع‌کننده جنگ نخواهیم بود و آمریکایی‌ها هم حمله را آغاز نمی‌کنند، چون می‌دانند که صد در صد به ضررشان تمام خواهد شد [...] ملت ایران ثابت کرده‌اند به هر متعزّضی، ضربه بزرگ‌تری وارد خواهند کرد.»

مطمئن، با وجود ناآرامی‌ها

به نظر می‌رسد سخنرانی خامنه‌ای بر اعتماد به نفس روزافزون او در داخل و بیرون از کشور صحه می‌گذارد، به‌ویژه آن‌که در سیاست داخلی، در ماجراجویی‌های منطقه‌ای و در سیاست‌گذاری اقتصادی، خواست خود را برای «مقاومت» تکرار کرد. او حتی چند جا در برابر واقعیت نیز «مقاومت» نشان داد و و روایتی از وضعیت فعلی جمهوری اسلامی ارائه کرد که گویی هیچ مشکلی وجود ندارد.

آماج اصلی این سخنرانی، باز هم، حلقه نخبگان پیرامون روحانی و حامیان او بود. رهبر ایران آنها را متهم کرد که به دلیل فقدان بصیرت راهبردی، ناتوانی در مدیریت بحران و مخالفت با سیاست‌های «اسلامی» او، و با ترکیبی از هر سه، عامل مشکلات اقتصادی و تضعیف

مشروعیت و اعتبار رژیم هستند. به گفته خامنه‌ای «مقاومت انعطاف‌ناپذیر» تنها راه در برابر فشار خارجی و استحکام انقلاب است - رمزگانی که معنای آن مستحکم کردن قدرت خود او در برابر رقبای داخلی اوست. خامنه‌ای همچنین، اظهار امیدواری کرد که تجربه میوه تلخ برجام، حکمت مقاومت سرسختانه او را در برابر معترضان خیابانی و دیگر درخواست‌ها برای افزایش مردم‌سالاری نشان خواهد داد. در نظر او، تجارب اخیر باید به ایرانیان مردد ثابت کند که هر گونه امید بستن به یک جایگزین برای رویکرد مقاومتی مورد نظر او، به مثابه «ساده‌اندیشی» و حتی «همدستی خائنه با دشمن» است.

پیش از این سخنرانی، برخی ناظران اشاره کرده بودند که واکنش رژیم به ناآرامی‌های پراکنده اما ادامه‌دار ماه‌های گذشته، ظاهراً تردید آمیز بوده است؛ ناآرامی‌هایی که ناشی از عصبانیت معترضان از شرایط زندگی شان و فساد اقتصادی است. پس از آن که مخالفان سیاسی رژیم از راهپیمایی‌های گسترده به مثابه فرصتی برای انتقاد مستقیم از خامنه‌ای بهره‌برداری کردند، برخی از مقامات با نگرانی هشدار دادند که تاخیر بیشتر در اصلاحات مورد انتظار، می‌تواند آینده جمهوری اسلامی را تاریک سازد و یا حتی زمینه فروپاشی عنقریب رژیم را فراهم آورد. این نگرانی‌ها زمانی افزایش یافت که رژیم به‌وضوح تلاش کرد از سرکوب معترضان، در جایی که بالقوه می‌توانست نتیجه عکس دهد، خودداری کند.

اما اظهارات اخیر خامنه‌ای نشان می‌دهد که او از آشوب بیمی به دل راه نمی‌دهد. به عنوان مثال، در تاریخ ۸ آگوست، دفتر رهبر ایران در اقدامی که هدف آن دلگرمی دادن به حامیان رژیم و به نمایش گذاشتن رفتار مبارزه‌جویانه رهبر در برابر دشمنان خارجی و مخالفان داخلی‌اش تعبیر می‌شود، خبرنگار کوتاهی درباره دیدار رهبر ایران با گروهی از «فعالان فرهنگی ایرانی در خارج کشور» به رسانه‌های داخلی ارسال کرد. در این خبرنگار، خامنه‌ای به یکی از این فعالان که گفته بود هواداران رژیم در بیرون از ایران نگران آینده رژیم‌اند، پاسخی مقتدرانه ارائه کرد که می‌خواست همه بشنوند: «اصلاً نگران نباشند. هیچ‌کس هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.»

فساد: هم تهدید و هم فرصت

ایرانی‌ها اغلب فساد نظام یافته در کشور را منبع اصلی هرج‌ومرج اقتصادی تلقی می‌کنند؛ برخی‌ها حتی آن را ویرانگرتر از تحریم‌های بین‌المللی می‌بینند. از این‌رو، تندروان ابایی ندارند که از ناآرامی‌های مداوم بهره‌برداری کنند یا حتی به این ناآرامی‌ها دامن بزنند تا بهانه‌ای جهت تضعیف دولت روحانی پیدا کنند، یا در صلاحیت‌های آن بر اساس قانون اساسی دخالت کنند و با تبلیغات گسترده، خود را به عنوان دلسوزان واقعی مردم نشان دهند. مثلاً، در تاریخ ۳ آگوست، احمد علم‌الهدی، امام جمعه تندر و مشهد، که نماینده خامنه‌ای در استان خراسان رضوی است، اعتراضات را واکنش برحق مردم در برابر رفتار غیرمسئولانه دولت خواند و اعلام کرد: «مردم انقلابی، اگر به مشکلات شما رسیدگی نمی‌شود، به خیابان‌ها بریزید.»

در واقع، این احتمال هست که ناآرامی‌ها در نهایت به نفع خامنه‌ای و حلقه تمامیت‌خواه او تمام شود - البته مشروط به آن‌که محدود و قابل کنترل باشد و هیچ نشانی از تبدیل شدن به یک حرکت سراسری ضد رژیم نداشته باشد و، هم‌زمان، شهروندان عادی را آن قدر به هراس اندازد که از افزایش تدابیر امنیتی داخلی استقبال کنند. آشوب‌های اجتماعی از این دست، برای رژیم اهرم و مشروعیت لازم را جهت تشدید کنترل در عرصه عمومی، تضعیف نهادهای جامعه مدنی، و به حاشیه راندن میانه‌روها فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد تهران وضعیت جاری را یک فرصت دگرگون‌ساز تعبیر می‌کند؛ فرصتی که در آن نگرانی‌های امنیتی ملی از یک سو با موفقیت دستگاه سرکوب رژیم در داخل و از سوی دیگر با دستاوردهای شبکه چندملیتی شبه‌نظامی آن در منطقه رنگ می‌بازد. هر چه رژیم - و به‌ویژه سپاه - عمیق‌تر باور داشته باشد که می‌تواند خود را از فشار سیاستمداران و فرایندهای دموکراتیک و تأیید گرفتن از افکار عمومی آزاد سازد، به همان نسبت برای کسب کنترل بیشتر بر نهادهای مدنی، روحانیت سنتی و دیگر نهادها بیشتر خواهد کوشید. با این حساب، رهبری سپاه احتمالاً می‌تواند انتظار داشته باشد که فرایند به دست گرفتن قدرت بعد از خامنه‌ای چندان خطرناک نخواهد بود.

دولت ترامپ امیدوار است که مشکلات اقتصادی، اگر منجر به تغییر رژیم نشود، حداقل رژیم را وادار به تغییر سیاست‌هایش کند. خامنه‌ای به نظر می‌رسد با این نکته موافق باشد - اما، به جای تغییر، برنامه او این است که کشور را در برابر اصلاحات و تماس با جهان بیرون، مقاوم‌تر از پیش کند و بیش از پیش قدرت را در دست تندروترین عناصر رژیم متمرکز سازد. موفقیت یا ناکامی خامنه‌ای در پیاده‌سازی این برنامه، آینده ایران را تعیین خواهد کرد.

* مهدی خلجی، پژوهشگر برنامه خانواده لیبسکی در انستیتو واشنگتن است.